



Phenomenology of Women Entrepreneurs' Experience of Social Inequality (Study Case: Women Entrepreneurs of Sanandaj City)

Hossein Daneshmehr* 

Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran
(Corresponding Author). hdaneshmehr@yahoo.com

samireh amini 

Master's, Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Samireh1368amini@gmail.com

ABSTRACT

Objective: The present research has sought to analyze the experience of women entrepreneurs in Sanandaj city from social inequality. Social inequality includes many dimensions and angles, including gender, work, time and place, etc. The present research has questioned this about women entrepreneurs in Sanandaj. Entrepreneurship, as a new phenomenon in the economy, has found an effective role in the economic development and progress of countries. Today, entrepreneurship has a key role in a competitive and market-based economy, but it has limitations and obstacles for women. The status of women's entrepreneurship around the world reflects gender inequalities in the external environment, which are often more obvious for women than men, and such inequalities lead to unequal access to resources and opportunities. Therefore, taking into account the views of three theorists in the field of social inequality - Chaffetz, Fogel and Elaine Wright - their analysis of social inequality in a link with gender inequality, social opportunity and work and production conditions has been discussed.

Method: The method used is interpretive phenomenology, and it is devoted to the understanding and interpretation of women's experiences of inequality in the field of entrepreneurship in Sanandaj city. The statistical population of this research includes 17 women entrepreneurs located in Sanandaj city, who work in the fields of industry, services, agriculture and handicrafts, and are known as entrepreneurs. Purposive sampling was used to conduct semi-structured interviews and continued until theoretical saturation. The four-step process of data analysis includes 1) reading and understanding the entirety of the data text. 2) Hominization and summarization of data. 3) Formation of semantic. 4) A careful rethinking of the identified themes, commonalities and differences in them, general themes and feedbacks of the interviewees are extracted.

Results: The results showed that 275 concepts, 16 primary categories and 5 secondary categories including "multiple sufferings", "marginal entrepreneurship" and "double genetic inequality", "physical and appearance complications" and "economic crisis and inflation" whose interpretation indicates lack of adequate income, lack of financial and emotional family support for the entrepreneur, legal and administrative barriers to work, pressure to work and being alone, which are mixed with gender inequality and complications caused by hard work. The obstacles in the path of female entrepreneurs, compared to male entrepreneurs, show that, most of the obstacles that women struggle with, the existence of barriers related to gender, for the female entrepreneurs studied, from the family to the administrative work process. And the process of selling products and services exists, and it has been institutionalized in most dimensions and areas, which gradually causes the issue of women entrepreneurship in Sanandaj city to face serious and unsolvable obstacles and problems. To be barriers are gender and family, rather than legal and financial barriers, while financial and legal labor barriers are more obvious for men. Entrepreneurship in the city of Sanandaj is on the sidelines compared to the areas of entrepreneurship and development, and this has caused major obstacles for women entrepreneurship. The risk of business closure and non-sale of products due to inflation has also aggravated these obstacles and

inequality. The risk of business closure and non-sale of products due to inflation has also aggravated these obstacles and inequality. Women entrepreneurs of Sanandaj city, compared to women entrepreneurs in big cities, see themselves in more unequal conditions, which is the result of marginal and unequal entrepreneurship in Kurdistan province and especially Sanandaj city. The indifference of the officials and the government towards the development of entrepreneurship in Sanandaj city, and the continuation of the inflation and economic crisis, can face women entrepreneurs with more serious problems and issues.

Conclusion: Due to the desire of women entrepreneurs and also the existence of great potentials in the fields of tourism (expansion of ecotourism stays), handicrafts (purple-weaving, embroidery, leather, kalash-weaving, local clothing)) and agriculture (strawberry cultivation, animal husbandry, silkworm breeding) can be transformed into actual capacities by investing and supporting the government in these sectors and strengthening them, and many people, especially encouraged women towards entrepreneurship in these fields, and the government should provide incentives and provide basic facilities and financial support to women entrepreneurs to create employment for them. Therefore, in order to reduce these obstacles and facilitate women's entrepreneurship, it is necessary to take measures such as providing facilities and loans, removing the bureaucratic process, and providing spiritual and financial support to women entrepreneurs, according to the potential of Sanandaj city.

Keywords: social inequality, women entrepreneurs, marginal entrepreneurship, phenomenology, Sanandaj.



Cite this article: Daneshmehr, H., Amini, S. (2024). Phenomenology of women entrepreneurs' experience of social inequality (Study case: women entrepreneurs of Sanandaj city). *Journal of Entrepreneurship Development*, 17(2), 1-22.
<http://doi.org/10.22059/jed.2024.374655.654351> (in Persian)

Received: 2024-05-14; **Revised:** 2024-07-08; **Accepted:** 2024-08-03; **Published online:** 2024-09-15
© The Author(s). **Article type:** Research **Publisher:** University of Tehran Press.

پدیدارشناسی تجربه‌ی زنان کارآفرین از نابرابری اجتماعی (مورد مطالعه؛ زنان کارآفرین شهر سنندج)

حسین دانش‌مهر*

نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. hdaneshmehr@yahoo.com

سمیره امینی

کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. Samireh1368amini@gmail.com

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به دنبال واکاوی تجربه‌ی زنان کارآفرین شهر سنندج از نابرابری اجتماعی بوده است. نابرابری اجتماعی ابعاد و زوایای متعددی از جمله جنسیت، کار و موقعیت زمانی و مکانی و... را دربر می‌گیرد. پژوهش حاضر این امر را در مورد زنان کارآفرین شهر سنندج به پرسش کشیده است. کارآفرینی، به عنوان پدیده‌ای نوین در اقتصاد نقشی موثر در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها یافته است. امروزه کارآفرینی در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر بازار، دارای نقش کلیدی است اما برای زنان دارای محدودیت‌ها و موانعی است. وضعیت کارآفرینی زنان در سراسر جهان، منعکس‌کننده‌ی نابرابری‌های جنسیتی در محیط بیرونی است که اغلب برای زنان بیشتر از مردان آشکار است و چنین نابرابری‌هایی منجر به دسترسی نابرابر به منابع و فرصت‌ها می‌شود. بنابراین با در نظر داشتن دیدگاه سه نظریه‌پرداز حوزه نابرابری اجتماعی - چافتز، فوگل و الین رایت - به تحلیل آنها از نابرابری اجتماعی در یک پیوند با نابرابری جنسیتی، فرصت اجتماعی و شرایط کار و تولید پرداخته شده است.

روش: روش مورد استفاده، پدیدارشناسی تفسیری بوده و به درک و تفسیر تجربیات زنان از نابرابری در عرصه‌ی کارآفرینی شهر سنندج پرداخته شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل، ۱۷ نفر از زنان کارآفرین واقع در شهر سنندج می‌باشد که در حوزه‌های صنعت، خدمات، کشاورزی و صنایع دستی، مشغول به کار می‌باشند، و به عنوان کارآفرین شناخته می‌شوند. از نمونه‌گیری هدفمند برای انجام مصاحبه‌های نیمه ساخته یافته استفاده شده است و تا اشباع نظری ادامه داشته است. فرآیند چهار مرحله‌ای تحلیل داده‌ها شامل مرحله‌ی (۱) خواندن و درک کلیت متن داده‌ها. مرحله‌ی (۲) افق‌سازی و تلخیص داده‌ها. مرحله‌ی (۳) تشکیل واحدهای معنایی (۴) بازاندیشی دقیقی در مضامین شناسایی شده، وجوه اشتراک و اختلاف در آنها، استخراج مضامین کلی و بازخوردهای مصاحبه‌شوندگان می‌شود.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۲۷۵ مفهوم، ۱۶ مقوله اولیه و ۵ مقولات ثانویه شامل «رنج‌های چندگانه»، «کارآفرینی حاشیه‌ای» و «نابرابری جنسیتی مضاعف»، «عوارض جسمانی و ظاهری» و «بحران اقتصادی و تورم» می‌شود که تفسیر آنها حکایت از نبود درآمد مناسب، عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده از فرد کارآفرین، موانع قانونی و اداری کار، فشارکاری و دست تنها بودن دارد که این موارد با نابرابری جنسیتی و عوارض ناشی از کار سخت درآمیخته است. موانع موجود در مسیر زنان کارآفرین، در مقایسه با مردان کارآفرین نشان می‌دهد که، اغلب موانعی که زنان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، وجود موانع مرتبط با جنسیت، برای زنان کارآفرین مورد مطالعه از خانواده گرفته تا فرآیند اداری کار و پروسه‌ی فروش محصولات و خدمات وجود دارد، و در اکثر ابعاد و حوزه‌ها نهادینه شده است که به مرور سبب می‌شود، مسأله‌ی کارآفرینی زنان در شهر سنندج، با موانع و مشکلات جدی و لاینحل روبه‌رو شود. موانع جنسیتی و خانوادگی هستند، تا موانع قانونی و مالی، در حالی که موانع مالی و قانونی کار، برای مردان آشکارتر است. کارآفرینی در شهر سنندج به نسبت حوزه‌های کارآفرینی و توسعه در حاشیه قرار دارد و این امر موانع اساسی را برای کارآفرینی زنان سبب شده است. مخاطره‌ی تعطیلی کسب‌وکار و عدم فروش محصولات به دلیل تورم نیز این موانع و نابرابری را تشدید نموده است. زنان کارآفرین شهر سنندج، نسبت به زنان کارآفرین در شهرهای بزرگ، خود را در شرایط نابرابرتری می‌بینند که این امر نتیجه‌ی کارآفرینی حاشیه‌ای و نابرابر در استان کردستان و به‌ویژه شهر سنندج است. بی‌توجهی مسئولین و دولت نسبت به توسعه‌ی کارآفرینی در شهر سنندج، و ادامه‌ی روند تورم و بحران اقتصادی، می‌تواند زنان کارآفرین را با مشکلات و مسائل جدی‌تری مواجه کند.

نتیجه: با توجه به رغبت زنان کارآفرین و همچنین وجود پتانسیل‌های زیاد در زمینه‌های گردشگری (گسترش اقامت‌های بوم‌گردی)، صنایع دستی (ارغوان‌بافی، معرق‌کاری، چرم، کلاش‌بافی، لباس محلی) و کشاورزی (کشت توت فرنگی، دام‌داری، پرورش کرم ابریشم) می‌توان با سرمایه‌گذاری و حمایت دولتی در این بخش‌ها و تقویت آنها ظرفیت‌های بالقوه را به ظرفیت‌های بالفعل تبدیل نمود، و افراد زیادی، خصوصاً زنان را به سمت کارآفرینی در این عرصه‌ها تشویق کرد، و دولت باید با ارائه تسهیلات و امکانات اولیه و حمایت مالی از زنان کارآفرین، انگیزه را برای ایجاد اشتغال در آنها ایجاد نماید. لذا جهت کاهش این موانع و تسهیل در کارآفرینی زنان لازم است با توجه به پتانسیل‌های شهر سنندج در حوزه‌های مختلف اقداماتی از جمله ارائه تسهیلات و وام، برطرف نمودن روند بروکراسی و حمایت معنوی و مالی از زنان کارآفرین به عمل آید.

کلیدواژه‌ها: نابرابری اجتماعی، زنان کارآفرین، کارآفرینی حاشیه‌ای، پدیدارشناسی، سنندج.



استناد به این مقاله: دانش مهر، حسین و امینی، سمیره (۱۴۰۳). پدیدارشناسی تجربه‌ی زنان کارآفرین از نابرابری اجتماعی (مورد مطالعه؛ زنان کارآفرین شهر سنندج). توسعه کارآفرینی، ۱۷ (۲)، ۱-۲۲. <http://doi.org/10.22059/jed.2024.374655.654351>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵؛ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۳/۰۴/۱۸؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۰۵/۱۳؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

© نویسندگان. **نوع مقاله:** پژوهشی **ناشر:** مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

شناسایی هیچ ساختار پایداری از نابرابری اجتماعی^۱ و اقتصادی، بدون نوعی نظام معنایی برای تبیین و توجیه، توزیع نابرابر منابع جامعه وجود ندارد. در جوامع ماقبل صنعتی یا سنتی، نابرابری و در نتیجه قشربندی اجتماعی^۲، عموماً امری طبیعی قلمداد می‌شد و یا بازتاب جنبه‌ای از کیهان‌شناسی‌ای بود که تبیینی برای خود جامعه ارائه می‌کرد. تغییرات اجتماعی و اقتصادی عمیقی که در سرتاسر این چند قرن رخ داد، همراه با انتقاد فزاینده از نظام اعتقادات سنتی‌ای بود که دو هزار سال در خدمت تبیین نابرابری‌های مادی و مشروعیت بخشیدن به آن بود (کرامپتون، ۱۳۹۸: ۳۱). توزیع نابرابر پاداش‌های مادی و نمادین، کم و بیش از خصوصیات تمام جوامع پیچیده است. به‌طور کلی می‌توان گفت، بحث از نابرابری‌ها و قشربندی‌های اجتماعی از حساسیت خاصی برخوردار بوده است، و شاید یکی از دلایل آن، وجود گستردگی و پیچیدگی تقسیم کار در جوامع نوین است. به عبارتی، هرچه جوامع گسترده‌تر می‌شوند، روابط بین گروه‌های آن نیز پیچیده‌تر، و در عین حال متنوع‌تر می‌گردد (لهسای زاده، ۱۳۸۰: ۳). الگوهای مختلف نابرابری، جامعه را در سطوح و لایه‌های متفاوت ساختمند می‌کند و تمامی اشکال نابرابری بر مبنای طبقه، جنسیت، قومیت، سن و قدرت سیاسی را در برمی‌گیرد (ملک، ۱۳۸۵: ۱۱۳). نابرابری جنسیتی یکی از اشکال نابرابری اجتماعی است. پس از جنگ جهانی دوم، جنسیت فقط در مطالعات خانواده مد نظر بود و در سایر مطالعات به‌ویژه مطالعات مربوط به نابرابری اجتماعی، دخالت داده نشده و موقعیت زن، تابعی از وضعیت اجتماعی پدر یا همسر تلقی می‌شد. در اواخر دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با شروع موج دوم جنبش فمینیستی^۳، به مفهوم جنسیت به عنوان یکی از منابع تجربه‌ای اجتماعی توجه شد. با جهانی شدن مسأله‌ی تبعیض علیه زنان و تلاش‌های نهضت زنان برای کسب برابری، تغییر نگرش نسبت به مسائل زنان پدید آمد که بر اساس آن، مسائل زنان در متن روابط اجتماعی نابرابر آنها با مردان معنا پیدا کرد و مفهوم جنسیت به جای مفهوم زن به منزله‌ی یک جنس به کار برده شد. نابرابری جنسیتی^۴ به تفاوت در موقعیت اجتماعی، قدرت و اعتباری که زنان در رابطه با مردان در یک جامعه تجربه می‌کنند اشاره دارد. اکثر جامعه‌شناسان موافق هستند که، سطح معینی از آسیب‌ها با وضعیت زنان مرتبط است که به تفاوت در ساختار شغلی، و تقسیم کار در خانواده تبدیل می‌شود. به عنوان مثال، کاری که کار زنان محسوب می‌شود، در جامعه‌ی ما تمایل به کم ارزش شدن دارد و این درآمدهای مرتبط و امنیت شغلی برای این نوع مشاغل منعکس می‌شود (ملک، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

نقش زن در محیط کار جهانی، در فاصله‌ی ۵۰ سال گذشته تغییرات برجسته‌ای پیدا کرده است. در سال ۱۹۴۰ کل نیروی کار زنان به نسبت کل زنان ۲۶ درصد بود که اغلب در مشاغلی مانند پرستاری، منشی‌گری، یا معلمی مشغول بودند. جنگ جهانی دوم، زنان را وارد بازار کار کرد. اما، ارزش‌های پذیرفته شده‌ای از قبیل اینکه مرد رئیس خانواده است، و زن باید به خانه‌داری بپردازد، فرصت‌چندانی برای کار در اختیار زنان قرار نمی‌داد مگر در صورت ضرورت. کار زنان نسبت به کار مردان از اهمیت کم‌تری برخوردار بود، و اغلب نیمه‌وقت بوده و دستمزدهای کم‌تری نیز دریافت می‌کردند (صابر، ۱۳۸۱: ۲۵). این هنجارهای اجتماعی قالب‌های شغلی کلیشه‌ای شده‌ای را ساخته و در نتیجه، فرصت‌های بسیار محدودی برای زنان در زمینه‌هایی مانند، امور مالی و تجاری، بنگاه‌داری یا تحقیق و توسعه فراهم کرد. انگیزه‌ی زنان برای راه‌اندازی کار شخصی بسیار پایین بود. با گذشت سالیان متمادی زنان کوشیدند که این باورهای

^۱ Social Inequality

^۲ Social Stratification

^۳ Feminist Movement

^۴ Gender Inequality

^۵ Development

اجتماعی را تغییر دهند. از طرفی دولت‌ها نیز، به منظور فعال کردن نقش زنان در اقتصاد جوامع، نسبت به اتخاذ سیاست‌هایی جهت توسعه‌ی اشتغال و به‌ویژه توسعه‌ی کارآفرینی ازنان همت گماشتند. بحث کارآفرینی زنان از دهه‌ی ۷۰ مطرح گردید (همان: ۲۶-۲۵). کارآفرینی، به عنوان پدیده‌ای نوین در اقتصاد نقشی موثر در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها یافته است. امروزه کارآفرینی در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر بازار، دارای نقش کلیدی است (قاسمی و احمدپور، ۱۳۹۴: ۲). به دیگر سخن، در یک اقتصاد پویا، ایده‌ها، محصولات و خدمات همواره در حال تغییرند و در این میان کارآفرین است که الگویی را برای مقابله یا سازگاری با شرایط جدید به ارمغان می‌آورد (همان: ۲). اما نقش و جایگاه زنان در این حوزه همچنان دارای موانع و محدودیت‌هایی می‌باشد. این امر برای کشورهای درحال توسعه به‌ویژه شهرها و روستاهای کمتر برخوردار محرزتر است.

با وجود این، مسأله‌ی پژوهش حاضر، کاوشی در تجربه‌ی زیسته‌ی زنان کارآفرین شهر سنندج، از پدیده‌ی نابرابری اجتماعی است که در ابعاد مختلف و در برخورد با نهادهای متولی و فضای کسب‌وکار از یک سو، و نگاه جامعه‌ی مردسالار در حوزه‌ی اقتصاد و خانواده از سوی دیگر، با آن مواجه هستند. لذا این پژوهش، به دنبال واکاوی تجربه‌ی نابرابری اجتماعی در میان زنان کارآفرین شهر سنندج است و تلاش می‌کند به این سوال پاسخ دهد که درک و تفسیر زنان کارآفرین از نابرابری اجتماعی چگونه است؟ و این امر در نظام معنایی آنها چگونه تفسیر می‌شود؟

۲. مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این پژوهش خلاصه‌ای از آراء و نظریات اندیشمندانی که بیشترین قرابت را با موضوع مورد مطالعه دارند و دیدگاه‌هایشان در حوزه‌ی نابرابری اجتماعی مطرح است، آورده شده است.

۱.۲. ژانت چافتز^۲

چافتز، از نظریه‌پردازانی است که تبیین‌های خود را در جهت لایه‌بندی جنسیتی گسترش داده است. بیشتر تلاش‌های وی در جهت برابری جنسیتی است. او نظریه‌ای در باب حفظ و بازتولید نظام‌های جنسیتی دارد و نظریه‌ی تغییر را نیز مطرح می‌کند (پورطاهری و پوروردی نجات، ۱۳۸۹: ۱۲۶). وی تلاش کرده است تا میزان قشربندی جنسیتی^۳ در یک جامعه‌ی مفروض را تبیین کند. یعنی، میزانی که اعضای جامعه در دسترسی به ارزش‌های کمیاب جامعه‌شان نابرابرند (هرست، ۱۳۸۹: ۲۰۸). این ارزش‌ها شامل کالاها، خدمات مادی، نقش‌های منزلتی، قدرت سیاسی، تصمیم‌گیری بین فردی، رهایی از محدودیت‌های ناخواسته و فرصت‌های تحصیلی است. به عبارت دیگر، چافتز قشربندی را ماهیتی چند بعدی می‌بیند. چافتز می‌گوید؛ هیچ‌گاه وضعیتی وجود نداشته است که در آن زنان، بر مبنای نظام‌مند و طولانی مدت بر مردان تسلط داشته باشند. تا به این ترتیب جوامع در پیوستاری از برابری تقریبی تا نابرابری شدید، به نفع مردان با هم تفاوت داشته باشند (هرست، ۱۳۸۹: ۲۰۸). فرآیندهای زیادی وجود دارد که موجب دگرگون‌سازی یا لایه‌بندی جنسیتی می‌شود که دگرگونی‌های درازمدت در توزیع منابع یا نوسان‌های کوتاه مدت در فرصت‌ها برای زنان از آن جمله است. نیروهایی هم‌چون دگرگونی‌های فناورانه، تغییرات جمعیتی در سن و ترکیب جمعیت، دگرگونی

¹ Entrepreneurship

² Chaffetz

³ Gender Stratification

ساختار اقتصادی و نیروهای جغرافیایی و سیاسی مانند جنگ و کوچ، می‌تواند فشارهایی بر نظام نابرابری جنسیتی وارد کند. چافتز این فرآیند را فرآیند دگرگونی غیرعمدی می‌نامد (پورطاهری و پوروردی نجات، ۱۳۸۹: ۱۲۶). دگرگونی‌های ساختاری در اقتصاد، بر لایه‌بندی جنسیتی اثر می‌گذارد. اقتصاد گسترده به زنان کمک می‌کند نقش‌هایی مانند نقش مردان کسب کنند و بالعکس، اقتصاد کاذب از فرصت‌های زنان می‌کاهد. عواملی هم‌چون، صنعتی‌شدن که موجب افزایش مشاغل غیرخانگی می‌شود، شهرنشینی که باعث متمرکز شدن زنان می‌شود و هم‌چنین گسترش طبقه‌ی متوسط که زنان این طبقه بیشتر از زنان سایر طبقات، در جستجوی کارهای بیرون از منزل هستند را به اشتغال در بیرون خانه علاقه‌مند می‌کند، و خواسته‌هایی نو در آنان پدید می‌آورد. هنگامی که این نظارت و خواسته‌ها در نظام لایه‌بندی موجود با موانع روبه‌رو شوند، و زنان قادر نباشند به آنها دست یابند، در نتیجه آنان به صورت گروهی، بی بهره‌گی و نابرابری را احساس خواهند کرد بنابر نظر چافتز، این عوامل بیش از آنکه برای تولید نابرابری مهم باشند، برای حفظ و توجیه آن اهمیت دارند (پورطاهری و پوروردی نجات، ۱۳۸۹: ۲۱۰-۲۰۹).

۲.۲. لیز فوگل^۱

وی یکی از بنیان‌گذاران اصلی نظریه‌ی بازتولید اجتماعی^۲ شناخته می‌شود. فوگل در کار خود به عنوان مورخ هنر از اولین کسانی بود که دیدگاهی فمینیستی درباره‌ی تاریخ هنر را طرح و دوره‌هایی را با این مباحث تدریس کرد، که در زمان خود نوآورانه بود. فوگل در حوزه‌ی جامعه‌شناسی به مطالعه درباره‌ی سنت مارکسیستی در رابطه با مسئله‌ی زنان پرداخت، و بهترین متون و همچنین تحولات مواضع جنبش مارکسیستی را درباره‌ی مسئله‌ی زنان تجزیه و تحلیل کرد. در این روند دو میراث متناقض را تشخیص داد و هم‌زیستی آنها را از زمان آغاز مارکسیسم^۳ بررسی کرد. علاوه بر این، او در بحث‌های مهم درون فمینیسم سوسیالیستی^۴، مانند بحث کار خانگی و نگاه مارکسیسم و فمینیسم به این مسئله، مشارکت فعال داشت. اما مهم‌ترین و تاثیرگذارترین تلاش‌های فوگل مشارکت و تلاش او در جهت تکوین و تکامل فمینیسم مارکسیستی^۵ و ایجاد نظریه‌ای واحد در این زمینه است (فوگل، ۱۴۰۱: ۱۱-۱۰).

فوگل استدلال می‌کند که، منشاء دیدگاه بازتولید اجتماعی کتاب سرمایه‌ی مارکس^۶ است و در آنجا این ایده مطرح می‌شود که «ستم بر زنان ریشه در موقعیت متفاوت زنان در بازتولید اجتماعی دارد». مطابق این رویکرد، مبارزه‌ی طبقاتی^۷ دینامیسم اصلی توسعه‌ی اجتماعی و ویژگی اصلی جامعه‌ی طبقاتی یعنی، تصاحب کار اضافی^۸ توسط طبقه‌ی مسلط است. با وجود این، تصاحب کار اضافی مستلزم نوسازی مداوم طبقه‌ی کارگر^۹ از جمله جایگزینی نسلی این طبقه است که زنان در آن نقشی حیاتی دارند. به رغم ریشه‌یابی این دیدگاه در سرمایه‌ی مارکس، نکته‌ی مهم این است که، مارکس نه در مورد موقعیت زنان صحبت می‌کند، و نه اشاره‌ای به کار خانگی یا بازتولید اجتماعی دارد. در بخشی از سرمایه جایی که به ایده‌ی بازتولید اجتماعی می‌پردازد، اشاره‌ای به تولید مثل ساده شده است. با این حال، مارکس

¹ Fogel

² Social reproduction

³ Marxism

⁴ Socialist feminism

⁵ Marxist Feminism

⁶ Capital

⁷ Marx

⁸ Class Struggle

⁹ Extra Work

¹ Working Class

این ایده‌ی درخشان را مطرح می‌کند که «تولید سرمایه‌داری از طریق تبدیل مزد به وسایل معیشتی، به بازتولید مداوم نیروی کار نیاز دارد». فوگل، دقیقاً موقعیت ستم بر زنان را در همین جا و در کار خانگی بررسی می‌کند. در تبدیل وسایل معیشتی به نیروی کار. این رویکرد بعدها نظریه‌ی بازتولید اجتماعی نامیده شد (همان: ۱۳).

از دیدگاه بازتولید اجتماعی، ستم بر زنان در جوامع طبقاتی ناشی از موقعیت متفاوت آنان در فرآیند جایگزینی نسلی است. خانواده‌ها یک شکل اجتماعی مشخص تاریخی هستند که، جایگزینی نسلی معمولاً به واسطه‌ی آنان صورت می‌گیرد. در جوامع طبقاتی، کسی نمی‌تواند به هیچ وجه از خانواده در معنای عام صحبت کند زیرا، همان‌طور که مارکس یک‌بار بیان کرده بود؛ «خانواده‌ها درون ساختار اجتماعی جایگاه‌های بسیار مختلفی دارند». در طبقات ممکن، خانواده‌ها معمولاً در نقش حاملان و انتقال دهندگان دارایی عمل می‌کنند. اگرچه ممکن است نقش‌های دیگری هم داشته باشند، در اینجا ستم بر زنان ناشی از نقش آن‌ها در حفظ، نگهداری و وراثت دارایی است. خانواده‌ها در طبقات فرودست معمولاً مکانی برای نگهداری و بازتولید تولیدکنندگان مستقیم است. چنین خانواده‌هایی ممکن است به طور مستقیم در تولید بی‌واسطه نیز سهم باشند. ستم بر زنان در این طبقات ناشی از مشارکت آنان در تولید و همچنین در فرآیندهای بازسازی تولیدکننده‌ی مستقیم است. در جوامع طبقاتی، زنان ستم بسیاری را در سطوح مختلف متحمل می‌شوند، اما ستم بر آنها در نهایت بر همین بنیان‌های مادی استوار است (فوگل، ۱۴۰۱: ۱۸۶).

۳.۲.۲. الین رایت^۱

اریک الین رایت نیز مانند پولانزاس و خود مارکس، نخستین هدف خود را ارائه‌ی نظریه در باب نابرابری اجتماعی نمی‌داند، بلکه با توجه به خصیصه‌های ذاتی و تغییرات اخیر در نظام سرمایه‌داری پیشرفته، به بررسی دورنمای انقلاب سوسیالیستی^۲ می‌پردازد. با وجود این، رایت برای دستیابی به این هدف بینش‌های مختلفی را که برای درک اشکال و منابع نابرابری اجتماعی مفید است را در اختیار ما قرار می‌دهد (گرب، ۱۳۷۳: ۱۸۴). براساس نظریه‌ی رایت در نظام سرمایه‌داری، فقط دو طبقه وجود دارد، آن‌هایی که بر تولید اقتصادی مسلط هستند یعنی بورژوازی، و آن‌هایی که بر تولید اقتصادی تسلط ندارند یعنی، پرولتاریا. اما معضل از جوامع سرمایه‌داری واقعی برمی‌خیزد چرا که، اولاً طبقه‌ی سومی که همان خرده‌بورژوازی قدیمی است که، به حیات خود ادامه می‌دهد و دوم اینکه، کنترل اقتصادی جدید نسبت به مراحل اولیه‌ی سرمایه‌داری پیچیده‌تر شده است. به زعم وی، کنترل بر فرآیند تولید به سه عنصر اصلی تقسیم شده است، (۱) مالکیت اقتصادی واقعی، بسیار مهم است و بر تمامی مازاد اقتصادی اعم از سود، محصولات و دیگر منابع سرمایه‌داری نظارت دارد (۲) فرماندهی دستگاه‌های فیزیکی تولید که شامل، کنترل نظارت بر ماشین‌ها، کارخانه‌ها و.. است و برای تولید محصول به‌کار می‌رود (۳) فرماندهی نیروی کار که به معنای کنترل نظارت بر کارگران است (همان: ۱۸۵). به بیان رایت، بورژوازی مدرن تمام موقعیت‌های طبقاتی را شامل می‌شود که هر سه نوع کنترل را در دست داشته باشند. در حالی که پرولتاریای معاصر، شامل آن جایگاه‌های طبقاتی است که، در آن هر سه نوع کنترل اقتصادی غایب هستند. سومین طبقه در نظام سرمایه‌داری یعنی، خرده‌بورژوازی، که از زمان‌های قبل وجود داشته است و مازاد خود را کنترل می‌کند (کنترل نوع اول)، اما کارگر استخدام نمی‌کند (کنترل نوع سوم). بخش‌های ساختار طبقاتی شامل جایگاه‌هایی است که به بیان دقیق، به هیچ وجه طبقات را تشکیل نمی‌دهند. چرا که، برخی عناصر اقتصادی را دارند اما فاقد کنترل‌های دیگری هستند (گرب، ۱۳۷۳: ۱۸۵).

^۱ Elaine Wright

^۲ Socialist Revolution

اهمیت کارآفرینی زنان در ایران سبب روند روبه رشد مطالعات در این زمینه گردیده است که می‌توان به مواردی اشاره نمود؛ ادیب و مردان اربط (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان "پدیدارشناسی تجربیات و ادراکات کارآفرینان از پدیده‌ی کارآفرینی: یک مطالعه‌ی کیفی"، با هدف کشف و توصیف عمیق تجربیات کارآفرینان، انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد پنج مضمون کلی شامل زمینه‌ی کارآفرینی، وضعیت اقتصادی، ویژگی‌های روانشناختی، ویژگی‌های اجتماعی و تلقی از کارآفرینی، از مهمترین علل موفقیت یا ناکامی در پدیده کارآفرینی تلقی می‌شود.

آنی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان "عوامل موثر بر توسعه و موانع بازدارنده‌ی کارآفرینی زنان روستایی" به این نتایج رسیده‌اند که عوامل موثر بر توسعه‌ی کارآفرینی شامل ابتکار عمل، فعال بودن، شناسایی فرصت‌ها، پشتکار، تلاش و غلبه بر موانع و شایستگی‌های فردی زنان است. موانع بازدارنده‌ی کارآفرینی زنان روستایی به ترتیب موانع اجتماعی- فرهنگی، موانع حمایتی- اقتصادی و موانع مدیریتی گزارش شده است.

قربانی پیرعلیده‌ی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان "موانع توسعه‌ی کسب‌وکارهای خانگی زنان در مناطق روستایی، مورد واکاوی: شهرستان رضوانشهر استان گیلان) به این نتایج می‌رسد که موانع فردی- شخصیتی، موانع اقتصادی- مالی، موانع فرهنگی- اجتماعی، خانوادگی و موانع نهادی- قانونی، موانع توسعه‌ی کسب و کارهای خانگی زنان در مناطق روستایی موفق، برپایی نمایشگاه‌های ملی و منطقه‌ای، ارائه‌ی خدمات آموزشی و مشاوره‌ای، تأمین نیازهای مالی و تشکیل تعاونی و انجمن زنان روستایی دارای کسب‌وکار خانگی جهت ساماندهی مشاغل خانگی پیشنهاد می‌شود. لیندا^۱ و زالی^۲ (۲۰۱۹) پژوهشی را با عنوان "نابرابری جنسیتی: توسعه‌ی کارآفرینی در منطقه مینا"، به انجام رسانده‌اند. داده‌ها از ۹ کشور خاورمیانه و منطقه مینا (واقع در شمال آفریقا)، براساس شاخص نابرابری جنسیتی گردآوری شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که، فرهنگ و ارزش‌های نابرابرانه‌ی جنسیتی، منجر به تصمیمات کارآفرینانه- ی محدود توسط مردان و زنان، در بین یک جامعه می‌شود.

یوجینیا^۳ و دیگران (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان "زنان کارآفرین به‌عنوان عوامل تغییر: تحلیل مقایسه‌ای فرایندهای کارآفرینی اجتماعی در بازارهای نوظهور"، که با روش مطالعه‌ی موردی چندگانه و با مطالعه چهار شرکت در دو بازار نوظهور هند و کلمبیا به انجام رسیده بود، به این نتیجه می‌رسند که، زنان کارآفرین اجتماعی، از انگیزه‌ی بالایی نسبت به مسائل و فرایندهای اجتماعی برخوردارند.

جایولا^۴ و مرسی^۵ (۲۰۲۱) مطالعه‌ای را تحت عنوان "موانع در مسیر شرکت‌های زنان در آفریقا: مطالعه‌ی موردی زنان آگوتون، در ایالت ایکیتی نیجریه"، با رویکرد کیفی و با استفاده از مطالعه‌ی موردی، جهت کشف تجربیات زنان واقع در روستایی در جنوب غربی نیجریه انجام داده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که موانعی مانند، فرهنگ سنتی مردسالارانه، بقایای استعمار، عدم حمایت دولت و فقر اقتصادی از جمله موانع مهم در مسیر کار زنان در این منطقه است.

بررسی‌ها و تحقیقات انجام گرفته در خصوص موانع کارآفرینی زنان در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که سه دسته موانع بر سر راه زنان کارآفرین قرار دارد. دسته‌ی اول، موانعی هستند که برای اکثر زنان و مردان کارآفرین وجود دارد و دسته‌ی دوم، موانعی هستند که به دلیل شرایط خانوادگی، اجتماعی و حقوقی در مورد زنان کارآفرین شدیدتر است و دسته‌ی سوم که صرفاً موانع زنان کارآفرین می‌باشد (صابر، ۱۳۸۱: ۲۹). وضعیت کارآفرینی زنان در سراسر جهان،

¹ Linda

² Zali

³ Roska

⁴ Jaiyeola

⁵ Mercy

منعکس‌کننده‌ی نابرابری‌های جنسیتی در محیط بیرونی است که اغلب برای زنان بیشتر از مردان آشکار است و چنین نابرابری‌هایی منجر به دسترسی نابرابر به منابع و فرصت‌ها می‌شود (باستین^۱ و زالی، ۲۰۱۹: ۳). مطالعات فوق نیز حکایت از نابرابری در این زمینه دارد که این امر با موانعی نیز همراه است. بیشتر موانع در نزد مطالعات فوق جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی و همچنین اقتصادی دارد که نقش خانواده‌ها و دولت به مراتب در این وضعیت بیشتر می‌باشد. پژوهش حاضر از سه منظر با پژوهش‌های پیشین دارای تفاوت است. نخست؛ از نظر نگاه به مساله، که عمدتاً حول مسائل ساختاری و فراتر از روایت افراد در قالب تجربه زیسته است. دوم؛ از منظر محیط مورد مطالعه (استان کردستان)، که به لحاظ توسعه‌نیافتگی شاخص‌های توسعه و محیط کارآفرینی به‌طور عام دارای وضعیت مطلوبی نسبت به دیگر مناطق ایران نیست و سوم؛ از نگاه رویکرد نظری، که انتقادی است و فرآیندهای نابرابری را در حوزه‌های جنسیتی مورد واکاوی قرار داده است و به‌صورت مجرد و انتزاعی به پدیده کارآفرینی نگاه نمی‌کند، بلکه آن را در دیگر اشکال نابرابری از جمله محیط، آموزش، جنسیت و ... مورد کنکاش قرار می‌دهد.

۳. روش شناسی پژوهش

در این پژوهش با توجه به ماهیت و موضوع مورد بحث از روش کیفی استفاده می‌شود. روش مورد استفاده روش پدیدارشناسی می‌باشد. پدیدارشناسی تجربه‌ی آگاهانه را آن‌چنان که از منظر سوژکتیو^۲ اول شخص، تجربه می‌شود، موضوع بررسی قرار می‌دهد. در سنت پدیدارشناسی، معنای بسیار فراخ‌تری برای پدیدارشناسی قائل می‌شوند. پرداختن به معنایی که چیزها در تجربه‌ی ما حضور دارند، مخصوصاً دلالت اعیان، رویدادها، ابزارها، جریان زمان، خود و دیگران آن‌چنان که، در زیست جهان ما سر بر می‌آورند و تجربه می‌شوند (اسمیت، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۳). استفاده از روش تحقیق پدیدارشناسی می‌تواند چارچوبی جدید برای دسترسی به واقعیت ناب پدیده‌ها باشد. این روش می‌تواند نگرش و شیوه‌ای ذهنی و سیستماتیک، جهت توصیف عمیق تجربیات زندگی و معنی دادن به آن‌ها باشد دو رویکرد مهم و اصلی پدیدارشناسی، رویکرد تفسیری و توصیفی می‌باشد.

انتخاب بین پدیدارشناسی تفسیری و توصیفی، بسته به نوع سوالاتی است که پژوهشگر، به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌ها است. اگر پرسش‌های پژوهش به دنبال، کشف معنای پدیده‌ها باشند و پژوهشگر قضاوت‌های پیشین خود را نسبت به پرسش‌های تحقیق کنار نگذارد، از پدیدارشناسی تفسیری استفاده می‌شود. اما اگر پژوهشگر تصمیم دارد، پدیده‌ی مورد مطالعه را توصیف کرده و قضاوت‌های قبلی خود را نسبت به پدیده‌ی مورد بررسی در پراگماتیک قرار دهد، پدیدارشناسی توصیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا در این پژوهش، چون به دنبال واکاوی، درک و تفسیر زنان کارآفرین سنندجی از پدیده‌ی نابرابری اجتماعی هستیم، در نتیجه از روش پدیدارشناسی تفسیری استفاده می‌کنیم. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل، ۱۷ نفر از زنان کارآفرین واقع در شهر سنندج می‌باشد که در حوزه‌های صنعت، خدمات، کشاورزی و صنایع دستی، مشغول به کار می‌باشند، و به عنوان کارآفرین شناخته می‌شوند. دلیل انتخاب این حوزه‌ها این بود که، برای رسیدن به نتایج بهتر و جامع‌تر در راستای اهداف مورد نظر پژوهش، حوزه‌های متنوع‌تر و بیشتری مورد مطالعه قرار گیرد.

در این پژوهش از شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند، جهت‌گزینش افراد برای انجام مصاحبه استفاده شده است. بدین‌گونه که ابتدا تعدادی از زنان کارآفرین واقع در شهر سنندج که اطلاعات اولیه آنان را از ادارت مختلف اخذ شده، مورد

¹ Bastian

² Subjective

شناسایی قرار گرفتند که در مراحل بعدی تعدادی از واجدین شرایط که تمایل به همکاری داشتند، دعوت به همکاری شدند. اما در هر صورت کار صحیح‌تر آن است که تا رسیدن به نقطه‌ی اشباع نظری فرآیند یافتن نمونه‌ها و در واقع گردآوری داده‌ها ادامه یابد.

روش‌های جمع‌آوری داده در پدیدارشناسی شامل، تحریر میدانی، مشاهده و مصاحبه است. اما اصلی‌ترین روش گردآوری داده در پدیدارشناسی، مصاحبه است. مصاحبه‌ی پدیدارشناسی، عموماً عمیق و نیمه‌ساختاریافته است. تا مشارکت‌کننده، بدون اینکه محدودیتی برای وی ایجاد شود، توضیحات کامل و همه‌جانبه‌ای را در مورد پدیده ارائه دهد (پروری، ۱۳۹۸: ۹۸-۹۷). در رویکرد پدیدارشناسی، مصاحبه‌کنندگان در وهله‌ی اول، از سوالات باز استفاده می‌کنند. وظیفه‌ی اصلی آنها، ایجاد و کشف پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به سوال‌ها است. هدف، ترغیب شرکت‌کننده به بازسازی تجربه‌اش در درون موضوع تحت مطالعه است (بودلای، ۱۳۹۸: ۱۳۸). بنابراین تجربه‌ی زیسته‌ی زنان کارآفرین از پدیده‌ی نابرابری اجتماعی مورد هدف می‌باشد. انجام هر مصاحبه حدود ۲۰ الی ۳۰ دقیقه به طول انجامید. فرآیند چهار مرحله‌ای تحلیل داده‌ها در پژوهش پدیدارشناسی شامل مرحله‌ی ۱) خواندن و درک کلیت متن داده‌ها. مرحله‌ی ۲) افق‌سازی و تلخیص داده‌ها. مرحله‌ی ۳) تشکیل واحدهای معنایی ۴) بازاندیشی دقیقی در مضامین شناسایی شده، وجوه اشتراک و اختلاف در آنها، استخراج مضامین کلی و بازخوردهای مصاحبه‌شوندگان (پروری، ۱۳۹۸: ۹۸-۱۰۰).

۴. یافته‌ها

در مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته‌ای، که با ۱۷ مصاحبه‌شونده‌ی پژوهش صورت گرفت، تجارب زیسته‌ی زنان کارآفرین شهر سنندج، موجب بدست آمدن کدهای اولیه شد. سپس تم‌های اصلی و فرعی را استخراج و به بررسی و تعریف تم‌ها پرداخته و در نهایت اقدام به تحلیل نهایی شده است. در جدول ۱ مشخصات مصاحبه‌شوندگان نمایش داده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی مصاحبه‌شوندگان

شماره مصاحبه شونده	سن	تحصیلات	زمینه فعالیت	سابقه فعالیت	مکان فعالیت
مصاحبه‌شونده شماره ۱	۴۵	لیسانس	خدمات	۱۹ سال	دفتر پرواز
۲	۴۶	فوق لیسانس	خدمات	۱۵ سال	دفتر پرواز
۳	۳۳	لیسانس	خدمات	۴ سال	اقامتگاه بوم‌گردی
۴	۷۲	دیپلم	خدمات	۲ سال	اقامتگاه سنتی
۵	۲۸	دکتر	خدمات	۹ سال	شرکت
۶	۵۱	دیپلم	صنایع دستی	۴۰ سال	کارگاه
۷	۳۸	لیسانس	صنایع دستی	۱۹ سال	کارگاه
۸	۵۱	دیپلم	صنایع دستی	۳۱ سال	کارگاه
۹	۳۹	فوق دیپلم	صنایع دستی	۱۷ سال	کارگاه
۱۰	۳۲	لیسانس	صنایع دستی	۵ سال	کارگاه
۱۱	۲۹	دیپلم	کشاورزی	۶ سال	زمین کشاورزی
۱۲	۴۰	دیپلم	کشاورزی	۵ سال	زمین کشاورزی
۱۳	۳۷	دیپلم	کشاورزی	۷ سال	زمین کشاورزی

دفتر خدمات و زمین کشاورزی	۳ سال	کشاورزی و خدمات	لیسانس	۳۲	۱۴
کارگاه	۸ سال	صنعت	فوق لیسانس	۳۲	۱۵
کارگاه	۶ سال	صنعت	لیسانس	۳۹	۱۶
کارگاه	۳۶ سال	صنعت	سیکل	۶۰	۱۷

*به دلیل حفظ محرمانگی اطلاعات، اسامی مصاحبه‌شوندگان در قالب کد آورده شده است.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	خواندن و درک کلیت متن داده‌ها	افق‌سازی و تلخیص داده‌ها	تشکیل واحدهای معنایی
۱	کارآفرینی مانند هفت خان رستم است. شبیه به فتح قله ی اورست است، شبیه به کوه نوردی کردن است، فعالیتی پر چالش است و باید مانند موم باشی، قوانین اداری، فشار زندگی و تحمل کردن زیاد، کمبود حمایت خانواده، سرزنش کردن خانواده و اطرافیان، کمبود پول، نبود وسایل اولیه، رنج‌های شبانه روزی، تلاش دوبرابر، کمبود زیربنای اقتصادی، کم ارزش دانستن کارهای کارآفرینی در جامعه، فشار کاری، استرس زیاد، کمبود انگیزه و موانع شدن خانواده‌ها، درآمد کم و ناچیز، کمبود نیروی کار همراه، تنهایی کار انجام دادن، عدم باور به توانایی، وجود باورهای سنتی در مورد زنان در شهر. پروسه اداری سخت، رنج بیشتر کشیدن و...	- درآمد کم - عدم حمایت خانواده از فرد کارآفرین - قوانین دست‌وپا گیر بروکراسی - دست تنها بودن و فشارکاری	رنج‌های چندگانه
۲	محدودیت‌های خانواده، فشار پدر و مادر برای حفظ ابرو، کمبود امکانات، نبود انگیزه کار دسته جمعی، چشم و همچشمی اطرافیان، حرف مردم، کمبود سابقه کارآفرینی، درآمد پایین حاصل از کار کارآفرینی، کمبود مکان برای فروش محصولات، کمبود بازاریابی، کمبود تبلیغات، وجود امکانات ابتدایی، تسهیلات پایین، هزینه‌های سفر و رفت آمد، در دسترس نبودن نمایشگاه‌ها، عدم حضور در مراکز بزرگ، فروش کم، کاهش دسترسی به نقاط کشور، نبود ماشین، هزینه‌های رفت و آمد، دوری از بازار و... موانع مضاعف پیشروی فعالیت‌های کارآفرینانه، پروسه اداری سخت در شهر سندج، کمبود حمایت به نسبت مرکز،	- محدودیت‌های جنسیتی بیشتر در شهرهای کوچک - کمبود امکانات و تسهیلات در شهرهای کوچک - میزان درآمد و فروش پایین در شهرهای کوچک	کارآفرینی حاشیه‌ای
۳	بیهوده انگاشتن، نابرابری در اخذ تسهیلات، محدودیت‌های فرهنگی، محدودیت‌های فکری، ازدواج کردن و محدودیت‌های آن، کم اهمیتی کار زنانه، نبود حمایت زنان دیگر، انگیزه بالا در عین ناامیدی، وجود محدودیت‌های رفت و آمد به دلیل زن بودن، کمبود تسهیلات به زنان کارآفرین، کمبود نمایشگاه برای عرضه محصولات، نابرابری در ارائه تسهیلات، کم بودن اعتماد نهادها به زنان برای بازپرداخت وام و تسهیلات، مسائل اجتماعی زنان، شوهر کردن و دوری از کارآفرینی، درگیری با مسائل خانوادگی، نادیده انگاشتن کار زنانه، ارزش قائل نشدن و عدم‌بها به کار زنان در مقایسه با مردان، وجود باورهای سنتی در مورد زنان در شهر	- ارزش قائل نشدن برای کار زنان - ازدواج زودرس - ناعدالتی در اخذ تسهیلات و اخذ مجوز - محدودیت در رفت‌وآمد به دلیل زن بودن	نابرابری جنسیتی مضاعف
۴	مریضی، ناتوانی جسمی، دسک کمر، گردن درد، افتاب سوختگی، آثار زخم ناشی از کار، خستگی مفرط، چین و چروک شدن صورت، آثار پیری بر چهره، کمبود وقت برای رسیدگی به خود، هزینه‌های بالای دارو و درمان، تاول زدن پوست، آثار وسایل بر روی بدن، نشانه‌های کبودی، فشار کاری، استرس، ریزش موها، سوختگی، آثار سوختگی، ناامنی کار در کارگاه، هزینه‌های بالای ایمن‌سازی کارگاه، آتروز و رومانیتسم و... سخت و دشوار بودن، در معرض مستقیم نور خورشید و گردوخاک بودن	- زمخت شدن دست‌ها به مرور زمان - آفتاب‌سوختگی - دیسک کمر و درد گردن و دست‌ها	عوارض جسمانی و ظاهری
۵	تورم زیاد، هزینه‌های سرسام‌آور، افزایش هزینه‌ها در کالاهای اولیه، تعمیرات گران وسایل صنعتی و کاری، شیوع ویروس کرونا و آسیب به فعالیت‌های کارآفرینانه،	- مخاطره‌ی تعطیلی - کسب‌وکار به دلیل تورم	بحران اقتصادی و تورم

- مخاطره‌ی عدم فروش محصولات به دلیل تورم	کاهش فروش و درآمدزایی، کم توجهی به محصولات کارآفرینانه، کمبود درآمد، ناهمخوانی هزینه و درآمد، کمبود تقاضا، خطرات ریسک کردن در بازار، وجود دلالتان و واسطه، درآمد ناچیز در کار تولیدی، نبود حمایت مالی و عاطفی، هزینه‌های زیاد، مالیات‌های سنگین، معضل بیکاری، کمبود تقاضا برای کالا و پایین بودن نرخ کالا در شهر سنندج، عدم توانایی در پرداخت دستمزد نیروهایشان
--	---

۱.۴. رنج‌های چندگانه

برای اغلب افراد شروع هر کار و فعالیتی، با چالش‌های مختلفی مواجه است، که می‌تواند روند ادامه‌ی کار را مختل کند. مشکلات مالی و نبود درآمد مناسب خصوصاً در اوایل شروع به کار، یکی از این چالش‌هایی است که اغلب افراد کارآفرین با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مصاحبه‌شوندگان، نبود درآمد مناسب را در طول فعالیت‌های کارآفرینانه‌ی خود، چه در اوایل شروع به کار، و چه در حال حاضر را، به عنوان یکی از رنج‌ها و سختی‌هایی نام برده‌اند که در مسیر حرفه‌شان با آن مواجه بوده و هم اکنون نیز با این مسأله دست و پنجه نرم می‌کنند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱، در این باره گفت: «در اوایل شروع به کار با مشکلات مالی عدیده و حتی نبود یک مکان مناسب برای شروع فعالیت‌های دفتر روبه‌رو بودیم. در آن زمان تعداد دفاتر گردشگری در سطح شهر بسیار اندک بود و در حد دو یا سه دفتر بیشتر نبودند. بنده غیر از مسائل مالی که بزرگترین مشکل بر سر راه کار ما بود، هیچ‌گونه مشکل و مسأله‌ی آنچنانی تجربه نکردم».

در این مسأله شکی نیست که، یکی از منابع انسانی مهم در راستای شروع و ادامه‌ی هر کسب‌وکار و فعالیتی، وجود یک شبکه‌ی حمایتی از خانواده، دوستان و آشنایان است. یک فرد کارآفرین در طی فرآیند کارآفرینی خود، همواره نیازمند حمایت فکری، عاطفی و مالی خانواده است که، قادر باشد در راستای اهداف مورد نظر خود بهترین عملکرد را داشته باشد. تعدادی از زنان کارآفرین، مخالفت والدین و یا همسر با فعالیت کارآفرینی و عدم حمایت عاطفی و مالی خانواده‌شان را در راستای فعالیت‌های خود، به‌عنوان رنجی مهم عنوان کردند، که در طول فرآیند کاری‌شان تجربه نموده‌اند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۳، در این باره گفت: «بنده در همان دوران کودکی، فردی سخت‌کوش بودم. زمانی که ما در روستا زندگی می‌کردیم، بنده اولین دختری بودم که، برای ادامه‌ی تحصیل توانست به شهر بیاید. اما در حال حاضر و در مسیر حرفه‌ام، بزرگترین رنجی که متحمل شدم، عدم رضایت خانواده‌ام برای وارد شدن به این فعالیت بود. و از اینکه تصمیم داشتم که برای خودم کار کنم و مستقل باشم، راضی نبودند و مانع بزرگی در مسیر حرفه‌ام بودند».

مصاحبه‌شوندگان فشار کاری و دست تنها بودن را، چه در زمان شروع کار و آماده‌سازی‌های اولیه و چه در حال حاضر، را به عنوان یکی دیگر از دشواری‌هایی عنوان کردند، که در مسیر فعالیت‌های کارآفرینانه‌شان تجربه نموده‌اند. مصاحبه‌شونده شماره ۴، در این زمینه عنوان کرد: «این مسأله برای بنده نیز، مثل تمامی زنان که قصد دارند کاری را شروع کنند، وجود داشت. زمانی که فعالیت‌ها را شروع کردم، در اوایل کارم و آماده‌سازی‌های اولیه، برایم سخت و دشوار بود چون، کسی نبود کمکم کند، و مجبور بودم یک تنه، تمام کارها را انجام دهم».

نبود درآمد مناسب، عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده از فرد کارآفرین، موانع قانونی و اداری کار، فشار کاری و دست تنها بودن از جمله رنج‌های چندگانه‌ای است که زنان کارآفرین، در راستای فعالیت کارآفرینی خود آن را تجربه کرده‌اند. یکی از این مشکلات و مسائل، رنج‌های مالی و عدم درآمد مناسب چه در اوایل کار و چه در حال حاضر می‌باشد که تعدادی از مصاحبه‌شوندگان در صحبت‌های خود بارها به آن اشاره نموده‌اند. هزینه‌های زیاد، مالیات‌های

سنگین و در نتیجه عدم تطابق کار و تلاش با میزان درآمد فرد کارآفرین از جمله این رنج‌های مالی بود که زنان کارآفرین آن را تجربه کرده‌اند. عدم رضایت خانواده فرد کارآفرین برای فعالیت و نبود حمایت مالی و عاطفی از جانب ایشان نیز، یکی دیگر از رنج‌هایی است که مصاحبه‌شوندگان در راستای فعالیت‌های خود به اشکال مختلف آن را تجربه کرده‌اند. فقدان این عامل مهم و نبود شبکه‌ی حمایتی خانواده می‌تواند در میزان کیفیت کارآفرینی زنان تاثیر منفی بگذارد. موانع قانونی و اداری کار و وجود فرآیندهای بروکراسی دست‌وپاگیر برای زنان کارآفرین که اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار می‌کنند از جمله رنج‌ها و مشکلاتی است که مصاحبه‌شوندگان در طول فرآیند کاری خود به اشکال مختلف از جمله: عدم دریافت تسهیلات کافی در زمان مناسب و مشکل در اخذ در مجوز تجربه نموده‌اند. از دیگر رنج‌ها، فشار کاری زیادی است که اغلب به دلیل دست تنها بودن برای آنان وجود دارد. مصاحبه‌شوندگان این رنج را به اشکال مختلفی از جمله فشارکاری در زمان آماده‌سازی‌های اولیه برای برگزاری نمایشگاه یا در زمان شروع فعالیت و استفاده از دست در فعالیت‌های کشاورزی، که با ماشین‌آلات قابل انجام نیست، تجربه کرده‌اند.

۲.۴. کارآفرینی حاشیه‌ای

کارآفرینی نقش مهمی در رشد اقتصادی، نوآوری منطقه‌ای و خلق ثروت دارد. اگرچه فعالیت‌های کارآفرینانه از سطوح فردی سرچشمه می‌گیرند، و به وسیله‌ی نگرش‌ها یا انگیزه‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی فرد ایجاد می‌شوند، ولی فرد کارآفرین و فعالیت‌های کارآفرینانه در خلاء شکل نمی‌گیرد و به وسیله‌ی عوامل زمینه‌ای و بستر محیطی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲). در این راستا، نگاهی به شاخص‌های اقتصادی در سطح استان کردستان و مقایسه‌ی آن با میانگین کشوری و حتی منطقه‌ای، حکایت از اوضاع نابسامان زیست‌بوم کارآفرینانه‌ی این استان دارد. براساس آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵، استان کردستان دو درصد از جمعیت کشور را دارد. این استان کمتر از یک درصد از تولید ناخالص ملی را در اختیار دارد و درآمد سرانه‌ی آن، کمتر از نصف میانگین درآمد سرانه‌ی کشور است. آمار بیکاری این استان ۱۳/۳ درصد است که، پنجمین استان پرجمعیت بیکار کشور است. براساس شاخص توسعه‌ی انسانی، استان کردستان جزء توسعه‌نیافته‌ترین استان‌های کشور است (سایت مرکز آمار ایران: ۱۳۹۵-۱۴۰۱). به‌طور کلی، این آمار و ارقام حکایت از وضعیت وخیم و بحرانی اقتصادی و به مراتب زیست‌بوم کارآفرینانه در سطح استان کردستان را دارد، و باید اقدامات اساسی و سریعی در این زمینه انجام گیرد تا از پیامدها و آسیب‌های، به مراتب اجتماعی آن جلوگیری شود. در استان کردستان، کارآفرینان با مشکلات و موانع پایه‌ای در عملکرد و رشد کسب‌وکار خود مواجه‌اند. در این راستا شناخت چالش‌ها و موانع زیست‌بوم کارآفرینی پایدار در این استان می‌تواند در جهت کاستن از روند بیکاری، افزایش خوداشتغالی، بهبود وضعیت رفاهی_اقتصادی، بهبود وضعیت معیشتی و استفاده بهینه از سرمایه‌های مغفول و راکد عمل کند. و در نهایت باعث پیشرفت در سطح منطقه‌ای و ملی خواهد شد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴).

تجارب زیسته‌ی زنان کارآفرین، در این پژوهش، حاکی از این مسأله است که، کارآفرینان زن در شهر سنندج، همواره با کارآفرینی حاشیه‌ای و ناظر از روبه‌رو بوده‌اند. زنان کارآفرین مورد مطالعه اظهار داشته‌اند که کمبود امکانات اولیه و تسهیلات، میزان درآمد و فروش پایین، وجود باورهای سنتی در مورد زنان در شهر کوچکی مثل سنندج، از موانع پیش‌روی فعالیت‌های کارآفرینانه‌ی آنان بوده است که، به‌زعم آن‌ها این موانع و محدودیت‌ها در شهرهای بزرگ، کمتری بوده و به‌تبع؛ پروسه‌ی کارآفرینی در این شهرها به نسبت شهرهای کوچک و محروم، آسان‌تر است. مصاحبه‌شوندگان عنوان کرده‌اند که شهر سنندج با کمبود امکانات اولیه مواجه است و آنان اغلب مجبور هستند جهت تهیه

وسایل اولیه‌ی مورد نیازشان، به شهرهای بزرگتر و حتی کشورهای همسایه رجوع کنند. مصاحبه‌شونده شماره ۸، در این باره گفت: «در این راستا، از لحاظ کمبود وسایل اولیه برای کارم در سنندج مواجه شدم. گاه برای تهیه‌ی وسایل مورد نیازم و خرید، باید به کشور عراق یا تهران می‌رفتم چون در سنندج، وسایل اولیه در حد معمول یا خیلی اندک بود که برای کار بنده کافی نبود و حرقه‌ی بنده و آماده‌سازی کارهایم را با مشکل فراوان مواجه می‌ساخت». در رابطه با کارآفرینی حاشیه‌ای، همچنین می‌توان به مسأله‌ی درآمد پایین و فروش کم در شهرهای کوچک اشاره نمود. مصاحبه‌شوندگان، از کمبود تقاضا برای کالا و پایین بودن نرخ کالا در شهر سنندج نسبت به شهرهای بزرگ شکایت دارند. این امر کاملاً با میزان درآمد فرد کارآفرین مرتبط است و همچنین بر میزان بازدهی مالی فرد کارآفرین تأثیر منفی خواهد گذاشت. در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۷، اظهار کرد: «قطعاً در شهر کوچکی مثل شهر سنندج، جرأت و جسارت بیشتری برای شروع کار می‌طلبد. در شهر کوچک میزان فروش و درآمد کمتر است، اما در شهرهای بزرگ درآمد فرد بیشتر است و نرخ کاری هم که به فروش می‌رسد، نسبت به شهرهای کوچک بیشتر است. یعنی در شهرهای کوچک، باید حتی قیمت کار را هم پایین بیاوری تا به فروش برسد. و همچنین در شهرهای بزرگ مشتری بیشتری وجود دارد و حتی تقاضا برای کالا بیشتر از میزان تولید است. در اینجا در شهر سنندج درآمدمان بسیار کم است».

محدودیت‌های جنسیتی بیشتر، میزان درآمد کم، کمبود امکانات اولیه، کمبود منابع مالی و تسهیلات، از جمله موانع و مشکلاتی است که زنان کارآفرین در شهر سنندج با آن مواجه هستند. شهر سنندج به عنوان شهری محروم و کم-برخوردار، که همواره از برنامه‌های توسعه به دور مانده است، و به صورت کلی استان کردستان، که جزو یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور به لحاظ توسعه به شمار می‌رود، افراد کارآفرین را که قصد شروع فعالیت و راه‌اندازی یک کسب‌وکار را دارند با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو می‌سازد. با توجه به رونق صنعت گردشگری، صنایع دستی و کشاورزی در استان کردستان، که این امر می‌تواند تا حدودی به حل معضل بیکاری در این استان کمک رساند. مصاحبه‌شوندگان از تجربه‌ی کارآفرینی‌شان در شهر سنندج و تفاوت آن با شهرهای بزرگ‌تر به مسائلی اشاره کردند که گویای کارآفرین حاشیه‌ای و نابرابری است، که که بر شهر سنندج حاکم است. مصاحبه‌شوندگان با توجه به تجربه‌ی کارآفرینی خود در شهر سنندج به حاشیه‌ای بودن و نابرابری این فعالیت در مقایسه با شهرهای بزرگ، اذعان داشته‌اند.

۳.۴. نابرابری جنسی مضاعف

تجارب زیسته‌ی زنان کارآفرین شهر سنندج، از مواجهه با پدیده‌ی نابرابری و ناعدالتی، در موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف حاکی از این مسأله است که، اغلب مصاحبه‌شوندگان نابرابری را در طول پروسه‌ی کاری خود به اشکال مختلف و در مکان‌ها و زمان و شرایط مختلفی تجربه نموده‌اند. ارزش قائل‌نشدن و عدم بها به کار زنان در مقایسه با مردان، یکی از اشکال نابرابری مضاعفی است که، زنان کارآفرین با آن روبه‌رو بوده‌اند. نگاه سطحی به فعالیت کاری زنان در جامعه و عدم باور به توانایی آنان برای انجام کار، مسأله‌ای است که ریشه در نابرابری سیستماتیک و جنسیتی دارد که، در اکثر ابعاد زندگی اجتماعی علیه زنان اعمال می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۳، در این باره گفت: «در اغلب زمان‌هایی که به عنوان یک زن حتی بیشتر از مردانی که می‌شناختم، تلاش کرده‌ام و توانا بوده‌ام ولی، فقط به این دلیل که زن بودم، برای کارم هیچ ارزشی قائل نبوده و حتی نسبت به بنده دیدگاهی پست و درجه دوم را داشتند. بی‌نهایت دشوار است که در شرایطی باشی که، نتوانی ایده‌هایت را مطرح کنی و در مسیر آن‌ها قدم برداری».

ازدواج زودرس، یکی دیگر از جلوه‌های تبعیض جنسیتی و نابرابری مضاعف در خانواده است که زنان زیادی را در طول زندگی تحت تاثیر خود قرار داده، و به گفته‌ی مصاحبه‌شوندگان این نابرابری و تبعیض را در خانواده‌ی خود تجربه نموده‌اند. این مسأله اغلب تبعات جبران‌ناپذیری را بر کیفیت زندگی فردی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت. مصاحبه‌شونده شماره ۶، در این زمینه اظهار می‌دارد: «در خانواده و در زمان کودکی بنده این نابرابری را تجربه نمودم. یعنی از طرف خانواده‌ی خودم، چون در سن خیلی پایین وقتی که تنها ۱۲ سالم بود، من را شوهر دادند. زمانی که فقط ۷ سال سن داشتم، یک زیر جانمیزی برای خانه‌ی پدری‌ام بافتم. در حالی که برای انجام آن بسیار کودک بودم. معتقدم بزرگ‌ترین ظلم را در خانواده‌ی خودم تجربه کردم».

یکی از مکان‌هایی که زنان کارآفرین در طول مسیر خود همواره پدیده‌ی نابرابری را تجربه می‌کنند ادارات، بانک‌ها و سازمان‌هایی هستند که زنان کارآفرین، جهت اخذ تسهیلات و اخذ مجوز به آنجا مراجعه می‌کنند. مصاحبه‌شوندگان معتقدند که تبعیض قائل شدن در پروسه‌ی اخذ وام و مجوز از سوی ادارات و بانک‌ها را در طول مسیر خود به اشکال مختلف تجربه نموده‌اند. در این باره مصاحبه‌شونده شماره ۷، گفت: «از ساختمان صنایع دستی گرفته تا اداره‌ی میراث فرهنگی و در کل در اغلب اداراتی که بنده مراجعه نمودم به عنوان مثال در اخذ وام و تسهیلات، در مکانی به نام صندوق امید که بنده اقدام به دریافت وام نمودم. هم زمان آقای هم در انجا برای دریافت وام اقدام کرده بود که هزینه‌ی وام را برای تعویض مدل ماشین‌اش می‌خواست. که متأسفانه وام آن آقا در زمان کمی تأیید شد. اما وام بنده نه». یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این باره عنوان کرد: «ناعدالتی را از خانواده گرفته تا محل سکونت (روستایمان) و حتی در ادارات و ارگان‌هایی که برای اخذ تسهیلات مراجعه نمودم، تجربه کرده‌ام و آن هم به دلیل اینکه زن بودم».

۴.۴. عوارض جسمانی و ظاهری

تجربه‌ی زیسته‌ی مصاحبه‌شوندگان، از فعالیت کارآفرینی به میانجی بدن در این پژوهش حاکی از آن است که زنان کارآفرین عوارض جسمانی و ظاهری ناشی از فعالیت‌های کارآفرینانه‌شان را به اشکال مختلف تجربه نموده‌اند. کارآفرینی فعالیت‌هایی است که فرد در تولید اجناس، کالا و محصولات، دخالت مستقیم دارد و اغلب کار توسط خود فرد تولید می‌شود و برای فروش روانه‌ی بازار می‌گردد. این فعالیت‌ها به مرور زمان برای سلامت جسمانی فرد و حتی زیبایی ظاهری، تبعات گاه‌آ جبران‌ناپذیری را به همراه دارد. اغلب فعالیت‌های کارآفرینی با مواد شیمیایی مثل چسب، رنگ و... سروکار دارد و معمولاً با دست، و یا توسط دستگاه‌های سنگین انجام می‌شود. عده‌ای از پاسخ‌گویان در خصوص تبعات ظاهری و زیبایی که بعد از فعالیت کارآفرینی تجربه کرده‌اند و به عوارضی مانند مردانه شدن ظاهر و زخم شدن دست‌ها، آفتاب‌سوختگی، و تبعات جسمانی، فشار جسمانی ناشی از کار با وسایل سنگین، دیسک کمر و درد گردن و دست‌ها و... اشاره کردند. در مورد تبعات ظاهری ناشی از کار، مصاحبه‌شونده شماره ۷، اینگونه گفت: «این فعالیت چون فعالیتی زخم‌ت و مردانه محسوب می‌شود، رفته رفته اندکی در ظاهر فرد تغییر ایجاد می‌کند. حرفه‌ی معرق‌کاری به این دلیل که با دست سر و کار زیادی دارد، باعث می‌شود دست‌های فرد دچار زخمی شود».

تجربه‌ی بدنی کارآفرینان زن در حوزه‌ی صنایع دستی، کشاورزی و صنعت، در طول فرآیند کارآفرینی‌شان حاکی از عوارض جسمانی و ظاهری دارد که به اشکال مختلف از جمله تبعات ظاهری و آسیب بدنی آن را تجربه نموده و به گفته‌ی آنان هم اکنون نیز تبعات ناشی از این مسأله دامن‌گیر آنان شده است و فعالیت کاری‌شان را مختل نموده است. مصاحبه‌شوندگان معتقدند که به واسطه‌ی انجام کارهای زخم‌ت، خصوصاً فعالیت‌هایی مثل معرق و چرم‌سازی که به صورت مستقیم با دست سروکار دارد و آفتاب سوختگی به دلیل فعالیت‌های کشاورزی و قرار گرفتن در معرض

مستقیم نور خورشید و گردوخاک، زیبایی ظاهرشان را به مرور از دست داده‌اند و حتی تعدادی از زنان کارآفرین مدعی شده‌اند که چون برخی فعالیت‌ها ممکن است فعالیتی مردانه تلقی شوند، با گذشت زمان حالتی مردانه و زخمت خصوصاً در دست‌های فرد ایجاد می‌کند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، این‌گونه گفت: «چون حرفه‌ی ما برای جابه‌جایی چوب و برخی دستگاه‌ها نیازمند قدرت بدنی و فشار زیادی است، قطعاً از لحاظ سلامتی دچار آسیب شده‌ایم». عوارض جسمانی مثل دیسک گردن و کمر و درد مداوم دست و پا، از دیگر تبعاتی است که مصاحبه‌شوندگان بارها در صحبت‌های خود به آن اشاره نموده‌اند. کار با دستگاه‌های مختلف، جابه‌جایی دستگاه‌های سنگین، که نیازمند قدرت بدنی زیادی است و همچنین نشستن و یا سرپا ایستادن مداوم به هدف تولید یک کالا، زنان کارآفرین را در معرض آسیب‌های جسمانی زیادی که سلامتی آنان را به مخاطره می‌اندازد قرار داده است.

۵.۴. بحران اقتصادی و تورم

بدون شک تورم و بحران اقتصادی و کم شدن قدرت خرید مردم، تقاضا را برای بخشی از کالاهای عموماً غیرضروری کاهش داده است. زنان کارآفرین مورد مطالعه اظهار داشتند که بحران اقتصادی در چند سال اخیر، کسب‌وکار آنان را تحت تاثیر قرار داده است و در زمینه‌ی فروش محصولات، مخاطرات زیادی را پیش روی خود می‌بیند. مصاحبه‌شوندگان معتقدند که اکنون مردم دغدغه‌ی تهیه‌ی کالاهای ضروری و اولیه را دارند و خرید کالاهای غیرضروری در اولویت سبب خریدشان نیست و به دلیل کم شدن قدرت خریدشان، کمتر برای کالاهای غیرضروری هزینه می‌کنند و این مسأله در میزان فروش و به تبع بر درآمد آن‌ها تاثیر منفی خواهد گذاشته است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، در این زمینه گفت: «تورم و گرانی تأثیر بسیار منفی روی کار ما گذاشته است. چون محصولات و کالاهایی که ما تولید می‌کنیم ارقام ضروری نیستند، فروش ما را دچار آسیب کرده است. چون الان دغدغه‌ی اغلب خانواده‌ها تهیه‌ی وسایل ضروری می‌باشد نه کالاهای زینتی و غیرضروری».

در خصوص بحران اقتصادی و امکان تعطیلی کسب‌وکار، مصاحبه‌شونده شماره ۷، گفت: «این مخاطره در زمینه‌ی بیکاری نیروها و خصوصاً تعطیلی کسب‌وکار، وجود دارد. چون درآمد هم با کل این موارد در ارتباط است، در زمینه‌ی درآمد هم این مخاطره وجود دارد. و به دلیل بحران اقتصادی حال حاضر، ممکن است به کار ما آسیب زیادی وارد شود».

با توجه به شرایط ناپایدار اقتصادی حاکم بر کشور، و افزایش بی‌رویه‌ی نرخ کالاها، مخاطره‌ی عدم فروش محصولات و مخاطره‌ی تعطیلی کسب‌وکار، همواره فعالیت‌های زنان کارآفرین شهر سنندج را تهدید می‌کند و کسب‌وکار زنان مورد مطالعه را با چالش و مشکلات گوناگونی مواجه کرده است. به گفته‌ی مصاحبه‌شوندگان، به دلیل اینکه، اغلب کالاهایی که آن‌ها تولید می‌کنند، کالاهای زینتی و غیر ضروری می‌باشد و با توجه به کم شدن قدرت خرید مردم و همچنین دغدغه‌ی تهیه‌ی کالاهای ضروری، اغلب محصولاتی که تولید می‌کنند به فروش نمی‌رسد و چون فروش محصولات مستقیم با میزان درآمد نیز با کل این موارد ارتباط دارد، ادامه‌ی روند بحران اقتصادی و تورم، ممکن است باعث شود که زنان کارآفرین مورد مطالعه کسب‌وکارشان تعطیل شود. این امر نیز سبب عدم توانایی در پرداخت دستمزد نیروهایشان شود و به تبع؛ آنان را برای همیشه یا موقت اخراج نمایند. شیوع کرونا، همزمان با تورم افسار گسیخته‌ای که بر کشور حاکم بود، نیز بیشترین تاثیر را بر مشاغل کوچک و خرد داشت، به گونه‌ای که حتی سبب شد اغلب زنان کارآفرین یا کالاهایشان را انبار کنند، یا نرخ را تا حدی کاهش دهند تا بتوانند محصولاتی‌شان را به فروش

رسانند و برخی هم اشاره داشته‌اند که اجناس تولیدی‌شان به دلیل ماندن در انبار از بین رفته‌اند. برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز ضرر مالی زیادی را متحمل شده‌اند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال واکاوی تجربه‌ی نابرابری اجتماعی در میان زنان کارآفرین شهر سنندج بوده است. نابرابری اجتماعی که ابعاد و زوایای متعددی از جمله جنسیت، کار و موقعیت زمانی و مکانی و... را دربرمی‌گیرد. در این پژوهش با بهره‌گیری از درک و تفسیر زنان کارآفرین از نابرابری در فرایند کارآفرینی به این پرسش پاسخ داده شد که آنها چه درک و تفسیری از نابرابری اجتماعی دارند و براساس دیدگاه سه نظریه‌پرداز حوزه نابرابری اجتماعی_چافتز، فوگل و الین رایت_ به این امر پرداخته شد. نتایج تحقیقات پیشین در این حوزه نشان می‌دهد، با وجود انگیزه‌های بالای زنان در امر کارآفرینی، همچنان موانع و نابرابری‌های اجتماعی پیش‌روی آنها است، که بخشی از یافته‌های این پژوهش نیز مؤید این مطلب است. برخلاف نظریه چافتز، که صنعتی‌شدن و شهری‌شدن را از عوامل مهم کار زنان در بیرون از منزل می‌داند، یافته‌های این پژوهش زنان کارآفرین را بیشتر در بخش‌های کلاسیک اقتصاد مانند خدمات و کشاورزی تحلیل نموده است، که ویژگی این سطح از اشتغال و فعالیت، درهم‌تنیدگی با دنیای مردانه است، چرا که هنوز در جوامع توسعه نیافته و از جمله کردستان، مردان بر اقتصاد این بخش‌ها سیطره دارند. نتایج پژوهش هم‌سنگ نظریه فوگل نیست، چراکه وی ستم و فرودستی زنان را در فرآیندهای تولید جستجو می‌کند، در حالی که مطابق یافته‌های پژوهش، فرودستی و به حاشیه راندن زنان، ساختاری است و بصورت چندلایه درآمده است که بخشی از آن درآمد و تولید است و تأثیر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظام آموزشی و بهداشتی در بازتولید این نابرابری‌ها، قابل تأمل است. همچنین برخلاف نظریه لیز فوگل، مکانیسم‌های ستم طبقاتی فراتر از کارخانگی است و امروزه کار در صنایع و بخش خصوصی را نیز در بر می‌گیرد. اگر چه دولت سعی نموده است در قالب اشتغال رسمی این فرودستی را مدیریت نماید، اما این نوع نگاه به اشتغال، در دیگر اشکال اشتغال (غیررسمی) دیده نمی‌شود. الین رایت نابرابری را در دستیابی به فرصت‌ها، در میان دو طبقه کاگر و کارفرما می‌بیند و تحلیلی کلاسیک در این زمینه ارائه می‌نماید، در حالی که این نابرابری در جامعه ایران تبدیل به امر مویرگی شده است و طبقات مختلف بصورت ناخواسته و با درجات متفاوت درگیر آن هستند، چرا که منابع کمیاب هم در درون این طبقات برای رقابت وجود دارد. در باب مسأله زنان کارآفرین هم وضعیت بدین منوال است، زیرا همه به‌صورت یکسان به خدمات دسترسی ندارند، آنان پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی مختلفی دارند و نیز اهداف و آرزوهای متفاوت، که قرار است از طریق کارآفرینی بدان دست یابند. بنابراین، رویکرد پدیدارشناسی که درصدد دستیابی به معانی ذهنی پاسخ‌گویان از پدیده‌ها است، و به همین دلیل می‌تواند در درک ماهیت پدیده‌ها کمک نماید به عنوان روش تحلیل این پژوهش انتخاب شده است.

نتایج در مورد میدان مورد مطالعه نشان می‌دهد که زنان کارآفرین شهر سنندج، موانع و نابرابری‌هایی در فرایند و روند کارآفرینی را تجربه نموده‌اند. آنها بر رنج‌های چندگانه ناشی از نبود درآمد مناسب، عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده از فرد کارآفرین، موانع قانونی و اداری کار، فشارکاری و دست‌نهادن اشاره داشته که تمرکز بر نگاه و دیدگاه جنسیتی نسبت به کار زنان که خروجی نظام مردسالاری است، می‌باشد. این امر باعث شده است که همواره زنان کارآفرین در شرایط نابرابرانه‌ای نسبت به مردان در اغلب زمینه‌ها قرار بگیرند. مصاحبه‌شوندگان دیدگاه جنسیتی حاکم بر جامعه را یکی از نمودهای بارز نابرابری جنسیتی قلمداد کرده‌اند که نسبت به زنان اعمال می‌شود. مصادیق این دیدگاه را در مصاحبه‌ها، می‌توان در عدم حمایت و رضایت خانواده برای فعالیت، فشار مضاعف کاری یا همان کار خانگی بدون

دستمزد که مشکلات فراوانی را برای زنان کارآفرین به دنبال دارد، محدودیت‌های رفت و آمد برای زنان کارآفرین روستایی به دلیل کوچک بودن محیط، و موانع قانونی کار که مصاحبه‌شوندگان بارها به آن اشاره داشته‌اند. وجود موانع مرتبط با جنسیت، برای زنان کارآفرین مورد مطالعه از خانواده گرفته تا فرآیند اداری کار و پروسه‌ی فروش محصولات و خدمات وجود دارد، و در اکثر ابعاد و حوزه‌ها نهادینه شده است که به مرور سبب می‌شود، مسأله‌ی کارآفرینی زنان در شهر سنندج، با موانع و مشکلات جدی و لاینحل روبه‌رو شود. موانع موجود در مسیر زنان کارآفرین، در مقایسه با مردان کارآفرین نشان می‌دهد که، اغلب موانعی که زنان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، موانع جنسیتی و خانوادگی هستند، تا موانع قانونی و مالی، در حالی که موانع مالی و قانونی کار، برای مردان آشکارتر هست. این قسمت از یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهشی که جایولا و مودوپ آدیوی، به انجام رسانده‌اند، همخوانی دارد.

یکی از عواملی که می‌تواند بر میزان قشربندی جنسیتی تأثیرگذار باشد، تقسیم کار جنسیتی است. یعنی زمانی نابرابری جنسیتی در جامعه رو به افزایش می‌گذارد که نقش‌ها براساس جنسیت تقسیم شده باشند و زنان مجبور باشند زمان زیادی را در خانه مشغول تربیت کودکان شوند. ارتباط این مسأله با نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زنان کارآفرین مورد مطالعه، به دلیل همین امر، یعنی فشار مضاعف ناشی از وظایف شغلی و خانه‌داری و مشخصاً کار خانگی بدون دستمزد، در شرایط نابرابرانه‌ای نسبت به مردان قرار گرفته و فرآیند کاری این زنان را با چالش‌ها و مسائل عمده‌ای مواجه ساخته است. یافته‌های این قسمت از پژوهش با یافته‌های پژوهشی که جواهری و قضاتی به انجام رسانده‌اند، همخوانی دارد.

همانطور که فوگل ریشه‌ی ستم بر زنان را در تبدیل معشیت به نیروی کار و در کار خانگی بدون دستمزد می‌داند و اشاره می‌کند که، تفاوت در نقش زنان و مردان در بازتولید نیروی کار، دوره‌ی محدودی دارد، اما بر اساس یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد، نه تنها این بازتولید نیروی کار، دوره‌ی نامحدودی در جامعه‌ی مورد مطالعه دارد، بلکه نشان می‌دهد براساس ساختارهای موجود و قواعد و مشکلاتی که برای زنان کارآفرین وجود دارد، این بازتولید نیروی کار و یا تبدیل معیشت به نیروی کار از سوی زنان، که در همان کار خانگی بدون دستمزد متبلور می‌شود، به نفع جامعه‌ی مردانه هنوز ادامه دارد و به نظر می‌رسد در چنین شرایطی فضا و شرایط برای کارآفرینی زنان در بستر مورد مطالعه محدود و نامساعد می‌باشد.

از دیگر نتایج مهم این پژوهش که ذکر آن رفت، این است که، زنان کارآفرین شهر سنندج، نسبت به زنان کارآفرین در شهرهای بزرگ، خود را در شرایط نابرابرانه‌تری می‌بینند که این امر نتیجه‌ی کارآفرینی حاشیه‌ای و نابرابر در استان کردستان و به‌ویژه شهرسنندج است. شهرسنندج به عنوان شهری کمتر توسعه‌یافته همواره چالش‌های زیادی را بر سر راه زنان کارآفرین قرار داده است که می‌توان به مواردی مثل کمبود امکانات اولیه، میزان درآمد و فروش کم و عدم حمایت دولتی از فرد کارآفرین اشاره نمود. مخاطره‌ی تعطیلی کسب‌وکارها به دلیل بحران اقتصادی کشور، از جمله موانع و مسائل جدی، در مسیر فعالیت‌های زنان کارآفرین شهر سنندج است. بی‌توجهی مسئولین و دولت نسبت به توسعه‌ی کارآفرینی در شهر سنندج، و ادامه‌ی روند تورم و بحران اقتصادی، می‌تواند زنان کارآفرین را با مشکلات و مسائل جدی‌تری مواجه کند.

در نهایت می‌توان گفت که شهر سنندج و به‌طور کلی استان کردستان دارای پتانسیل‌های زیادی در زمینه‌های گردشگری (گسترش اقامت‌های بوم‌گردی)، صنایع دستی (ارغوان‌بافی، معرق‌کاری، چرم، کلاش‌بافی، لباس محلی) و کشاورزی (کشت توت فرنگی، دام‌داری، پرورش کرم ابریشم) است که می‌توان با سرمایه‌گذاری و حمایت دولتی در این بخش‌ها

و تقویت آنها ظرفیت‌های بالقوه را در این زمینه‌ها به ظرفیت‌های بالفعل تبدیل نمود، و افراد زیادی، خصوصاً زنان را به سمت کارآفرینی در این عرصه‌ها تشویق کرد و دولت باید با ارائه‌ی تسهیلات و امکانات اولیه و حمایت مالی از زنان کارآفرین، انگیزه را برای ایجاد اشتغال در آنها ایجاد نماید. وجود یک روند آسان و مشخص در دریافت تسهیلات برای زنان کارآفرین، آسان‌کاری در ارائه‌ی مجوز و بیمه، می‌تواند به تقویت کارآفرینی و ایجاد اشتغال در حوزه‌های مختلف کمک رساند و رونق اقتصادی را برای این استان به ارمغان آورد.

منابع

- احمدپور، امیر؛ عرب، فاطمه و شهرکی، محمدرضا. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در رفتار کارآفرینانه زنان عضو تعاونی‌های روستایی استان مازندران. پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۸ (۳)، ۴۵-۵۸. <https://sid.ir/paper/236455/fa>
- ادیب، یوسف و مردان اربط، فاطمه. (۱۳۹۳). پدیدارشناسی تجربیات و ادراکات کارآفرینان از پدیده کارآفرینی: یک مطالعه کیفی. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۷ (۳)، ۴۴۷-۴۶۵. [doi: 10.22059/jed.2014.52502](https://doi.org/10.22059/jed.2014.52502)
- اسمیت، دیوید و دراف. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی. ترجمه مسعود علیا، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ سوم.
- آنی، نادیا؛ خسروی‌پور، بهمن؛ آجیلی، عبدالعظیم و عبدشاهی، عباس. (۱۳۹۹). عوامل موثر بر توسعه و موانع بازدارنده کارآفرینی زنان روستایی. نشریه علمی زن و فرهنگ، ۱۱ (۴۴)، ۶۱-۷۰. https://journals.iau.ir/article_675174.html?lang=en
- پورطاهری، مینو و پوروردی نجات، مهدی. (۱۳۸۹). سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان روستایی، مطالعه موردی: استان گیلان. دانشنامه علوم اجتماعی، ۱۱ (۲)، ۳۱-۴۵. <http://jhs.modares.ac.ir/article-fa.html>
- سایت مرکز آمار ایران (۱۳۹۵-۱۴۰۱). <https://www.amar.org.ir>
- صابر، فیروزه. (۱۳۸۱). راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- فوگل، لیز. (۱۴۰۰). مارکسیسم و ستم بر زنان. ترجمه فرزانه راجی، تهران: انتشارات چرخ.
- قاسمی، مهدی. و احمدپور، محمد. (۱۳۹۴). بررسی مولفه‌های تأثیرگذار بر موفقیت زنان کارآفرین قالیباف استان مازندران. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۸ (۳)، ۱-۲۰. [doi: 10.30490/rvt.2018.5943](https://doi.org/10.30490/rvt.2018.5943)
- قربانی پیرعلیدهی، فاطمه. (۱۳۹۹). موانع توسعه‌ی کسب و کارهای خانگی زنان در مناطق روستایی (مورد واکاوی؛ شهرستان رضوانشهر استان گیلان). مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی، ۱۱ (۳)، ۵-۲۶. [doi: 10.22124/gscj.2021.18897.1068](https://doi.org/10.22124/gscj.2021.18897.1068)
- کرامپتون، رزماری. (۱۳۹۸). طبقه و قشربندی اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- کریمی، شهلا؛ نادری، نادر و خسروی، احسان. (۱۴۰۲). واکاوی چالش‌های زیست‌بوم کارآفرینی پایدار در استان کردستان؛ به‌کارگیری رویکرد آمیخته. مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، ۱۰ (۱)، ۱-۲۱. doi.org/10.22069/jead.2023.20817.1670
- گرب، ادوراد. (۱۳۷۳). نابرابری اجتماعی، دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر. ترجمه محمد سیاه‌پوش و احمدرضا غروی‌زاد، تهران: انتشارات معاصر.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۰). نابرابری‌ها و قشربندی اجتماعی در ایران. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۶ (۲)، ۱-۲۲. <https://sid.ir/paper/13387/fa>

ملک، حسن. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور، چاپ هفتم.
هرست، چالز ای. (۱۳۸۹). نابرابری اجتماعی، انواع، علل و پیامدها. ترجمه شکوری، علی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

Adib, Y., & Mardan Arbat, F. (2014). Phenomenology of experiences and entrepreneurs' perceptions of entrepreneurship phenomenon; A qualitative study. *Journal of Entrepreneurship Development*, 7(3), 447-465. doi: 10.22059/jed.2014.52502. (In Persian).

Ahmadpour, A., Shahraki, M., & Hosseinzadeh, F. (2021). An analysis of the desire of rural women to develop agricultural-oriented businesses in Mazandaran province. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 8(2), 63-80. doi: 10.22069/jead.2021.19522.1532. (In Persian).

Annie, Nadia; Khosravipour, Bahman; Ajili, Abdulazim and Abdshahi, Abbas. (2019). Factors affecting the development and obstacles preventing rural women's entrepreneurship. *Scientific Journal of Women and Culture*, 11(44). 61-70. https://journals.iau.ir/article_675174.html?lang=en. (In Persian).

Bastian, L. B., and Zali, M. (2019). *Gender inequality*, entrepreneurship development in the mena region. DOI: 10.3390/su11226472.

Crampton, Rosemary. (2018). *Class and social stratification*. Translated by Hoshang Naibi, Tehran: Ney Publishing, second edition. (In Persian).

Fogel, Liz. (2021). *Marxism and oppression of women*. Translated by Farzaneh Raji, Tehran: Charkh Publications. (In Persian).

GHASEMI, M., & AHMADPOUR, A. (2018). Investigating the influencing factors on the success of female carpet weaving entrepreneurs in Mazandaran province. *Village and Development*, 18(3), 1-20. doi: 10.30490/rvt.2018.59435. (In Persian).

ghorbani piralidehi, F. (2021). Barriers to the development of women, s home businesses in rural areas (Case study; Rezvanshahr city of Guilan province). *Geographical Studies of Coastal Areas Journal*, 1(3), 5-26. doi: 10.22124/gscaj.2021.18897.1068. (In Persian).

Greb, Edward. (1994). *Social inequality, the views of classical and contemporary theorists*. Translated by Mohammad Siahposh and Ahmadreza Gharavizad, Tehran: Contemporary Publications.

<https://www.amar.org.ir>. (In Persian).

Hurst, Charles E. (2010). *Social inequality, types, causes and consequences*. Translated by Shakuri, Ali, Tehran: Tehran University Press, second edition. (In Persian).

Jaiyeola, E. F., and Adeyeye, M. (2021). *Obstacles along the path of women in ekiti state nigeria*. DOI: 10.1016/j.heliyon. 2021.e07593.

Karimi, S., Naderi, N., & Khosravi, E. (2023). Analyzing the challenges of the sustainable entrepreneurship ecosystem in Kurdistan province; Using a mixed approach. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 10(1), 1-22.

doi: 10.22069/jead.2023.20817.1670. (In Persian).

- Lehsaizadeh, Abdul Ali. (2001). *Inequalities and social stratification in Iran*. Journal of Social and Human Sciences of Shiraz University, 16(2), 1-22. [SID. https://sid.ir/paper/13387/fa](https://sid.ir/paper/13387/fa). (In Persian).
- Malek, Hassan. (2008). *Sociology of strata and social inequalities*. Tehran: Payam Noor University Press, 7th edition. (In Persian).
- Nwagu, N. B., & Onwuatuegwu, I. N. (2021). Women entrepreneurship in Africa and implications on development: Obstacles and remedies. *Journal of African Interdisciplinary Studies*, 5(6), 56-67. <http://cedred.org/jais/index.php/issues>.
- Pourtaheri M, Pourverdi Nejat M. (2009). The Examining of Sexual Unequaity Among Rural Women: Case Study of Guilan Province. *JHS*; 1 (2) :115-155. URL: <http://jhs.modares.ac.ir/article-25-10217-fa.html>. (In Persian).
- Roska, E. Agarwal, N., and Brem, A. (2020). Women entrepreneurs as agents of change A comparative analysis of social entrepreneurship processes in emerging markets. *Technological foreca sting*. DOI: [10.1016/j.techfore.2020.120067](https://doi.org/10.1016/j.techfore.2020.120067).
- Saber, Firuzeh. (2013). *Ways to develop women's entrepreneurship in Iran*. Enlightenment Publications and Women's Studies. (In Persian).
- Smith, David Woodruff. (2015). *Phenomenology*. Translated by Masoud Alia, Tehran: Qaqnoos Publications, third edition. (In Persian).